

اقلِ عنایت

سهم ادبیات دینی در کتاب‌های تئوری ادبیات کودک

● نگار پدram

کارشناس ارشد ارتباطات، نویسنده ادبیات کودک / negar.ped@gmail.com

● فاطمه سادات میرصانع

ویراستار و کارشناس نشر / fmirsane@gmail.com

در این مقاله قصد داریم آنچه را که درباره نوشته‌های دینی برای مخاطبان کودک و نوجوان، در کتاب‌های تئوری ادبیات کودک آمده‌است، مرور کنیم و به تحلیل اجتماعی این نوشته‌ها بپردازیم.

هدف ما از این تحقیق این است که به جمع‌بندی از تعاریفی که در کتاب‌های گوناگون آمده‌است، برسیم و برای این منظور ده‌ها جلد کتاب نظری درباره ادبیات کودک را در کتابخانه‌های معتبر این حوزه جستجو کرده‌ایم.

در میان این کتاب‌ها آنچه که بیش از همه به چشم می‌خورد، تعریف افسانه‌های فلسفی و دینی، ادبیات مذهبی، قصه‌گویی مذهبی و کتاب‌های مذهبی بود.

اهمیت این‌گونه کتاب‌ها به حدی است که اولین کتاب چاپی مخصوص کودکان، یادگاری برای کودکان است که بین سال‌های ۱۶۷۱ و ۱۶۷۲ به‌وسیله یک روحانی مسیحی به‌نام «جمیز جانی وی» در انگلیس نوشته و منتشر شده‌است. این کتاب بیشتر رنگ مذهبی دارد و افکار و عقایدی ذهنی را به‌عنوان بهترین وسیله جلوگیری از ترس به کودکان تقدیم می‌کند.

کتاب نقد کتاب‌های ابتدایی و ادبیات کودکان نوشته «گیتی فلاحی رستگار» که از قدیمی‌ترین کتاب‌های تئوری ادبیات کودکان است، بخش‌هایی را به نقد کتاب‌های ابتدایی مدارس اختصاص داده و درباره تعلیمات دینی این کتاب‌ها معتقد است که با توجه به وضع اجتماعی امروز و تمدن جدید و

مبلغان دینی، لازم است که به تعلیمات دینی در مدارس دقت شود. او می‌گوید صفحه سفید روح کودکان را به هر رنگی که بخواهیم می‌توانیم درآوریم. منتهی نه‌چندان باشد که کودکان مردمی خرافی و ظاهر بین و بی‌فکر و اراده بار آیند و نه آن‌که دین را چیزی مسخره بدانند و به‌هیچ‌وجه پای‌بند نباشند. چون دین برای تصفیه اخلاق مردم و خیر و سعادت آن‌هاست. درواقع او چنین معتقد است که آن‌همه قواعد و اصول آن، چیزی جز نشان دادن راه‌های مختلف آسایش نیست، حتی در این میان پیغمبران صرفاً کسانی هستند که این قوانین را به بشر ابلاغ کرده‌اند، و بهترین راه تعریف و نمایش دین به کودکان، از راه زیبایی‌های طبیعت و محیط خصوصی زندگی آن‌هاست. همچنین اظهار کوچکی و بندگی پدر و مادر و معلم در مقابل خدا، وسیله خوبی برای شناساندن عظمت خداست. راه دیگر می‌تواند معرفی شخصیت‌های دینی، به کودکان باشد که این مهم شاید بهترین روش باشد برای علاقه‌مند کردن کودکان به راه و روش و افکار آن‌ها و نیز سبب می‌شود که فرزندان ما به تدریج به سخنان و اعمال و دستوره‌های آن‌ها بیشتر توجه کنند. که این همان مقصود نهایی ماست.

در تمام کتاب‌های تئوری ادبیات کودک آن‌جا که درباره پیشینه ادبیات مذهبی صحبت شده، نام کتاب یادگاری برای کودکان به‌عنوان اولین کتاب برای کودکان آمده‌است، از جمله در کتاب ادبیات کودکان نوشته «علی‌اکبر شعاری‌نژاد».

«آن پلووسکی» در کتاب ارزیابی ادبیات کودکان در کشورهای رو به رشد ترجمه «دکتر امیر فرهمندپور»، کتاب‌های کودکان را به سه نوع اصلی تقسیم می‌کند که نوع اول آن جزوه‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی است. این جزوه‌ها قدیمی‌ترین نوع کتاب هستند و برای آموزش انفرادی کودکان استفاده می‌شدند. والدین و آموزگاران خصوصی، رهبران دینی یا مربیان اجتماعی این جزوه‌ها را به کودک درس می‌دادند و هنوز هم در جوامعی که آموزش دینی و اخلاقی در محیط خانه انجام می‌گیرد، رایج‌اند. گاهی نیز برای جلب علاقه کودکان، آن‌ها را تا حدودی سرگرم‌کننده تهیه می‌کنند. در ترجمه این کتاب توسط «علی شکویی» نیز همین مطالب درج شده‌است. از دیگر کتاب‌هایی که کتاب‌های دینی را از انواع ادبیات کودک و نوجوان محسوب کرده‌اند، می‌توان به ادبیات کودکان و نوجوانان: ویژگی‌ها و جنبه‌ها نوشته «بنفشه حجازی» اشاره کرد. از نظر او کتاب‌های دینی به‌دلیل موضوع، قابل تقسیم‌بندی در انواع ادبیات کودکان هستند ولی به‌دلیل اهمیت خاص، این‌گونه کتب در مبحثی جداگانه آورده می‌شوند.

تاریخ قصه‌گویی مذهبی در کتاب دنیای قصه‌گویی نوشته آن پلووسکی و

ترجمهٔ «ابراهیم اقلیدی» مورد توجه قرار گرفته است. از نگاه پلوسکی قصه‌گویی مذهبی آن گونه قصه‌گویی است که مقامات و رهبران رسمی یا نیمه‌رسمی یک گروه مذهبی به‌جای قوانین، داستان‌ها را برای تشریح و ترویج مذهبشان به‌کار می‌برند. شایان ذکر است که این نوع قصه‌گویی دست‌کم چند عنصر را که جالب و سرگرم‌کننده است به‌یاری می‌گیرد تا شنوندگان را متحیر و توجه‌شان جلب کند.

این نویسنده در بخش دیگری از کتاب خود، قصه‌گویی مذهبی (نه کتاب‌های مذهبی) را در ادیان اسلام، یهود، بودا و مسیحیت مورد بررسی قرار داده است.

کتاب ادبیات کودکان و نوجوانان در عصر پهلوی نوشتهٔ «نسرین دخت عماد خراسانی» هم به تاریخ کتاب‌های دینی برای کودکان اشاراتی دارد. وی عقیده دارد قبل از ظهور اسلام کتاب‌های خاص نوجوانان از جمله اندرز خسرو گوتان مضمونی دینی داشته‌اند. این کتاب مشتمل بر احکام و دستورهای اخلاقی و دینی دورهٔ ساسانیان و اندرزها و وصایای خسروی اول پسر پادشاه ساسانی است. تحقیقات عماد خراسانی نشان می‌دهد نخستین اثری که در قرن پنجم هجری قمری مستقیماً متوجه کودکان و نوجوانان قرار گرفته است، قابوس‌نامه می‌باشد که مؤلف آن عنصر المعالی، این کتاب را با زبانی شیوا و دلنشین برای فرزند خود گیلان‌شاه با محتوای دینی، اخلاقی، تربیتی و اجتماعی نگاشته است.

این نویسنده معتقد است در دورهٔ اسلامی رایج‌ترین نوشته‌ها، داستان‌های مذهبی بوده‌اند که به‌علت رواج زبان عربی و تأثیر عظیم عقاید اسلامی، به این زبان نوشته شده‌اند.

میان کتاب‌های تئوری آنچه بیش از همه دربارهٔ کتاب‌های مذهبی کودکان به‌چشم می‌خورد، تعریف آن‌هاست. از جمله در کتاب ادبیات کودکان که شخصی به‌نام «آرمیون» نوشته است، که در این میان افسانه‌های فلسفی و دینی تعریف شده است. از نظر آرمیون بشر هرگاه از توجیه منطقی رویدادها عاجز مانده است دست به دامن عوامل غیرطبیعی شده است، به‌عنوان مثال او حضورت فرشتگان را در این امر منشأ اثر می‌داندست به‌طوری که مثلاً وقتی علت باریدن باران یا خشک‌سالی را نمی‌داندست، یکی را از اقدامات فرشتهٔ رحمت و دیگری را نتیجهٔ رفتار دیوی بدسرشت می‌پنداشت. همچنین صدای رعد و درخشش برق را از اثرات جنگ میان این دو دانسته و افسانه‌های بسیاری را به همین ترتیب برای خود ساخته است. به‌اعتقاد او افسانه‌ها هستند که در بسیاری از موارد رنگ دینی به‌خود گرفته‌اند و این‌گونه اساطیر جهان به‌وجود آمده‌اند. مثلاً در افسانه‌های اساطیری که قهرمانان اصلی داستان،

خدایان هستند. هرچند این خدایان دارای قدرت مافوق طبیعی‌اند، ولی بسیاری از خصوصیات انسانی را نیز می‌توانند دارا باشند که وجود احساسات انسانی از قبیل عشق، حسادت و جنگیدن را از دسته ویژگی‌های انسانی این خدایان برمی‌شمارد. که از معروف‌ترین این افسانه‌ها، افسانه‌های خدایان یونانی و رومی هستند که تأثیر بسیاری در ادبیات دارند. او مطالعه این‌گونه داستان‌ها را به‌هیچ‌وجه به کودکان توصیه نمی‌کند اما معتقد است که خواندن این قبیل افسانه‌ها معمولاً در سنین آخر دبستان که کودک مبانی ابتدایی علوم و عقاید مذهبی خویش را به‌دست می‌آورد، لذت‌بخش و آموزنده خواهد بود که این علاقه‌مندی برای او اغلب تا سنین جوانی نیز ادامه خواهد یافت.

آرمیون معتقد است در افسانه‌های جدید، افسانه‌های علمی جای افسانه‌های دینی را گرفته‌اند. این تعریف تقریباً همان تعریفی است که یک سال قبل از این کتاب در گذری در ادبیات کودکان درج شده بود. جالب توجه این است که در بسیاری از کتاب‌های تئوری برای تعریف افسانه‌های دینی و مذهبی، مطلب بالا عیناً به‌کار رفته‌است که از آن جمله می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: *آشنایی با ادبیات کودکان* نوشته «منوچهر علی‌پور» و *ضوابط و اصول نقد کتاب‌های کودکان و نوجوانان*؛ ویژه مربیان، کتابداران، نویسندگان و ناشران نوشته «علیرضا مرتضوی کرونی».

کتاب *ادبیات کودکان و نوجوانان در اروپا* درباره آموزش‌های مذهبی و اخلاقی و نیز برخی از کتاب‌هایی که با موضوع مذهب در اروپا چاپ شده‌اند، کتاب‌های تعلیماتی که از هدف تربیتی خود فراتر رفته‌اند و ارزش‌های مذهبی و اخلاقی را نیز آموزش می‌دهند، بحث کرده‌است. با توجه به تحقیقات او این کتاب‌ها که در انگلستان horn-book یا battle dores و در اسپانیا catones در آلمان لوح قرائت و در فرانسه کتب مقدماتی قرائت نامیده می‌شدند، علاوه بر الگوهای خواندن غالباً یک دعا، یک یا دو پند و اندرز اخلاقی را که به‌حسب زمینه‌های اجتماعی، محتوای متفاوتی داشتند- را عرضه می‌کردند. این کتاب، کتاب‌های تعلیماتی، برخی از کتاب‌های تعلیمی و آثار ارشادکننده و در مجموع سیر انتشار کتاب در اروپا را مورد بررسی قرار داده‌است که از نظر تاریخی اطلاعات مفیدی در اختیار خواننده می‌گذارد.

مرتضوی کرونی در کتاب *ضوابط و اصول نقد کتاب‌های کودکان و نوجوانان*، ویژه مربیان، کتابداران، نویسندگان و ناشران، داستان‌های دینی را به داستان‌هایی اطلاق می‌کند که از لایه‌لای کتب حدیث و تفسیر در تاریخ گرفته شده‌اند و قهرمان داستان یکی از پیامبران یا پیشوایان بزرگ دین یا یکی از صحابه باشد.

از نگاه او کتاب‌های دینی، کتاب‌هایی هستند که با تکیه بر مفاهیم اعتقادی و اخلاقی ادیان آسمانی به ایجاد و پرورش ارزش‌های تربیتی در کودکان و نوجوانان می‌پردازند و هدف آن‌ها عبارت است از: آشناساختن کودکان و نوجوانان با اصول اعتقادی دین اسلام (اصول عقاید) و آشناکردن ایشان با صفات و ملکات روانی منبعث از مکتب و منطق با موازین اسلامی (اخلاق اسلامی) و نیز آشناساختن کودکان و نوجوانان به آنچه باید به‌وسیله اعضا و جوارح خود انجام دهند (احکام).

«محمد رضا سرشار» در کتاب و/ما بعد... درباره قصه‌های مذهبی معتقد است محکم‌ترین دلیل بر ریشه‌داربودن علاقه انسان‌ها به قصه، کتاب آسمانی ما، قرآن مجید است که ده‌ها قصه و تمثیل زیبا و آموزنده، در آن به چشم می‌خورد. چرا که می‌توان گفت بخش اعظم کتب آسمانی را قصص و تمثیل‌ها تشکیل می‌دهند کثرت وجود تمثیل‌های جالب و زیبا در سخنان پیامبران گرامی اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) نیز مؤید آن است.

از نظر او داستان، بهترین زبانی است که می‌شود با آن ضوابط و قواعد و شیوه زندگی درست و الهی را به کودکان و نوجوانان آموخت، و این همان کاری است که خداوند در قرآن کرده است. قصص بسیار که برای نشان دادن نتیجه عفت و پاکدامنی، قصه‌های یوسف و مریم، را نقل کرده و مثلاً داستان اصحاب اخذود در نشان دادن مقاومت بر اثر شکنجه‌ها و داستان اصحاب کهف برای بیان هجرت از محیط ناسالم و پناه‌بردن به خدا و پایان کار نیکوکاران و بدکاران، آمده است.

رهگذر در کتاب به‌بیانی دیگر، ادبیات کودک را عبارت از کلیه تلاش‌های هنرمندان‌ای می‌داند که در قالب کلام، برای هدایت کودک به‌سوی «ریشه» (به‌مفهوم قرآنی آن) با زبان و شیوه‌ای مناسب و درخور فهم او صورت گرفته یا می‌گیرد.

این نویسنده در کتاب به‌بیانی دیگر اذعان می‌دارد، هر اثری که به‌شیوه‌ای «مؤثر و جذاب و قابل فهم» کلام را به‌خدمت گرفته‌است تا در قالب‌های مختلف شعر، قصه و... کودکان را به‌سوی تعالی و تقرب به خدا سوق دهد و از گمراهی و نکبت برهاند، ادبیات اسلامی کودکان است.

«بهمن رازانی» در کتاب پژوهشی در زمینه ادبیات کودکان، تعریف جالبی از افسانه‌های مذهبی یا نیمه‌مذهبی دارد. به اعتقاد او از آن‌جا که ادبیات نانوشته سینه‌به‌سینه نقل می‌شده، غالباً نقل‌کنندگان طی سال‌ها و سال‌ها به استخوان‌بندی اصلی، مطالب و مسائل تازه‌ای را افزوده‌اند و این است که گاه در افسانه‌ای یکی از شخصیت‌های کهن تاریخ را در لوای رایت اسلام می‌بینیم. از نظر او افسانه‌های نیمه‌مذهبی درحقیقت افسانه‌های کهنی هستند که بعدها

به ضرورت زمان رنگ مذهب به آن‌ها داده شده است. لکن افسانه‌های مذهبی غالباً به شکلی دقیق بر مبنای معیارهای دینی استوارند و از هدف واحدی پیروی می‌کنند که متأسفانه پاره‌ای از این قبیل افسانه‌ها در این سیر آلوده به خرافات پندارهایی شده است که دقت نظر ویژه‌ای را هنگام انتخاب آن‌ها ایجاب می‌کند.

«مصطفی رحماندوست» نیز در کتاب *ادبیات کودکان و نوجوانان* قصه‌های خوب و مثبت را قصه‌های اسلامی، اخلاقی و انسانی و آموزشی دانسته است و قصه‌های اسلامی را قصه‌ای که پشتوانه الهی داشته باشد، معرفی می‌کند. علاوه بر تعاریفی که درباره ادبیات مذهبی کودکان و نوجوانان در کتاب‌های تئوری نوشته شده است، برخی از آن‌ها معیارها و ویژگی‌های این نوع ادبی را نیز بر شمرده‌اند. از جمله کتاب مرتضوی کرونی که قبلاً ذکر آن رفت، فواید زیادی را برای داستان‌های مذهبی مرتبط دانسته است که از آن میان ارضای صحیح غریزه تمایل انسان‌ها به قصه و داستان، عبرت‌گیری، پندآموزی و تنویر دل‌ها و افکار را می‌توان نام برد.

کرونی داستان‌های دینی و قصه‌های پیامبران را شیرین توصیف کرده است و آن‌ها را کلیدی برای درک ادب فارسی و آشناسدن با تعبیر، اشاره‌ها، کنایه‌ها و مثل‌های آن می‌داند و خواندن آن‌ها را برای کودکان «هم فال و هم تماشا» ارزیابی می‌کند.

این نویسنده در کتاب *ضوابط و اصول نقد کتاب‌های کودکان و نوجوانان*، ملاک‌های ارزشیابی محتوای کتاب‌های مذهبی را توضیح داده است. نکته‌ای که در کتاب‌های دیگر به آن کمتر توجه شده، این است که ذکر منابع و مآخذ را برای سال‌های آخر دبستان و نوجوانان ضروری دانسته و تأکید کرده است که نویسندگان در نوشتن داستان‌های دینی باید از ایجاد صحنه‌های خیالی و تصنعی بپرهیزد و مطالب را سازنده و شوق‌انگیز بیان کند. در ادامه کرونی چند قصه قرآنی را مورد بحث قرار داده است.

از دیگر کتاب‌هایی که معیارها و ویژگی‌های کتاب‌های کودکان و نوجوانان را بر اساس دین و مذهب توضیح داده، کتاب *آشنایی با ادبیات کودکان و نوجوانان و معیارهای نقد و بررسی کتاب* نوشته «خسرو آقاییاری» است که ۲۳ ویژگی یا ملاک زیر را برای کتاب بر شمرده است:

۱. ادبیات کودکان و نوجوانان باید بیان‌کننده نظام ارزشی باشد.
۲. ادبیات کودکان و نوجوانان باید مخاطبان خود را در جهان هستی و موجودات مختلف و پدیده‌های جهان هستی و نظام حاکم بر آن آشنا سازد.
۳. ادبیات کودکان و نوجوانان باید مخاطبان خود را با خالق و پدیدآورنده پدیده‌های جهان آشنا سازد.

۴. اتکا به الله باید به مثابه مهم‌ترین محور برنامه‌ریزی‌های هدایتی قرار گیرد.
۵. بالابردن سطح نیازهای انسان به‌سوی تعالی و خدایی کردن نیازها و خواسته‌های انسان از وظایف ادبیات کودکان و نوجوانان است.
۶. ادبیات کودکان و نوجوانان باید تابع و پیرو فطرت باشد و در جهت بیداری فطرت الهی انسان گام بردارد.
۷. ادبیات کودکان و نوجوانان باید تنها پناهگاه مردم را خداوند بزرگ معرفی کند.
۸. ادبیات کودکان و نوجوانان نباید خلقت جهان هستی، پدیده‌های موجود در آن و حیات انسان را پوچ و عبث نشان دهد.
۹. ادبیات کودکان و نوجوانان نباید تنها منبع شناخت و کشف حقایق را علم (علوم تجربی) معرفی کند. همچنین ابزار شناخت را تنها منحصر به عوامل و حواس ظاهری نداند.
۱۰. ادبیات کودکان و نوجوانان نباید اصل و اساس را بر این دنیا نهد و موجب غفلت و فراموشی سرای دیگر شود.
۱۱. ادبیات دینی کودکان و نوجوانان نباید مروج و تابع بدون منطق نیاکان، شخصیت‌ها، فرهنگ‌ها و... باشد.
۱۲. ادبیات کودکان و نوجوانان نباید با تمسک به رد کردن و کوبیدن خرافات و اوهام، منکر معجزات پیامبران و حقایق غیرمادی شود.
۱۳. ادبیات کودکان و نوجوانان، مستقیم یا غیرمستقیم یا با کنایه، نسبت به معاد ایجاد شک نکند.
۱۴. ادبیات کودکان و نوجوانان، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، خلقت جهان هستی را ناشی از حادثه معرفی نکند و زمینه ذهنی آن را فراهم نسازد.
۱۵. ادبیات کودکان و نوجوانان به پدیده‌های طبیعی همچون آفتاب، باد، طوفان و... نقش الوهیت ندهد.
۱۶. در دوره کودکی و نوجوانی، کتاب باید مخاطب را با چهره رحمت خداوند آشنا سازد.
۱۷. در دوره کودکی و نوجوانی، کتاب باید مخاطبان را از جلوه‌های عذاب دوزخ و قهر خدا بترساند.
۱۸. ادبیات کودکان و نوجوانان وظیفه دارد با به‌نمایش‌گذارن فرهنگ اسلامی، مخاطبان خود را به‌سوی استقلال فرهنگی هدایت کند.
۱۹. برای رسیدن به هدف، نمی‌توان از هر وسیله و راهی استفاده کرد. ادبیات کودکان و نوجوانان مبین شعار هدف وسیله را توجیه می‌کند، نباشد.
۲۰. فعل خداوند بزرگ خیر است. تفاوت‌هایی که میان موجودات دیده

می‌شود ناشی از نظام احسن آفرینش الهی است که خداوند براساس مشیت خود بنا نهاده‌است. هریک از پدیده‌ها و موجودات، در جای خویش بامعنی و زیباست. ادبیات کودکان، تفاوت بین پدیده‌ها و موجودات، نارسایی‌های اجتماعی، فقر و... را خلاف عدالت خداوندی معرفی نکند.

۲۱. ادبیات کودکان و نوجوانان نباید دربارهٔ خرافات و تئوری‌های اثبات‌نشده با جزم و یقین اظهارنظر کند.

۲۲. ادبیات کودکان و نوجوانان باید بیان‌کنندهٔ این معیار باشد که جلوه‌های مختلف حیات مادی و تمتع از نعمت‌های آن وسیلهٔ کمال‌یابی و رشد است، نه هدف.

۲۳. موفقیت همهٔ کارها و فعالیت‌های انسان کسب رضایت خداوند است. ادبیات کودکان و نوجوانان معیار موفقیت و شکست را شکست ظاهر معرفی نکند.»

از دیگر کتاب‌هایی که معیارهای کتاب‌های دینی را برشمرده‌اند، کتاب *ادبیات کودکان و نوجوانان: ویژگی‌ها و جنبه‌ها* است که بخشی را به کتاب‌های دینی اختصاص داده و ملاک‌های ارزشیابی کتاب‌های دینی را به‌لحاظ محتوا و تصاویر بررسی کرده‌است که با کمی اختلاف در کتاب‌های دیگر تکرار شده اما کامل‌ترین تعریف در این کتاب آورده شده‌است. نویسنده دربارهٔ کیفیت محتوای کتاب‌های دینی این موارد را ذکر می‌کند:

- در ارائهٔ اندیشهٔ دینی صداقت داشته باشد.
- در جهت ایجاد تفاهم و احترام متقابل به ادیان و افکار دیگران باشد و باعث ایجاد نفرت و جدایی انسان‌ها از یکدیگر نشود.
- پیام‌های انسان‌ساز ادیان را منعکس کند.
- راه را برای تفکر بیشتر و قانع‌شدن باز بگذارد.
- تکیه بر منابع و اسناد معتبر داشته باشد.

چنان‌چه کتاب یا اثر در زمینهٔ شناخت قرآن کریم است:
الف) دربارهٔ کودکان سال‌های اول دبستان از ترجمهٔ آیات قرآنی استفاده شود، ولی برای سال‌های آخر دبستان و نوجوانان، ذکر سوره و شمارهٔ آیه و آوردن آیات ضروری است.

ب) نویسنده، قرآن را خوب بشناسد و به تفاسیر معتبر مسلط باشد.
ج) نویسنده در تطبیق مسائل قرآن با مسائل علمی و اجتماعی، دقت و صحت یکایک نکات مطرح‌شده را تضمین کند.

د) از طرح کلیهٔ جنبه‌های خرافی رایج در میان عوام بپرهیزد، مگر در مواردی که نگرش نسبت به آن‌ها انتقادی باشد.

ه) چنان‌چه کتاب در زمینهٔ بخشی از زندگی یا حادثه‌ای در زندگی بزرگان

دین است (مثل هجرت)، نویسنده از ایجاد صحنه‌های خیالی و تصنعی بپرهیزد. درباره کتاب‌هایی که وقایع و مکان‌های تاریخی مربوط به اسلام را دربر می‌گیرد (مانند غزوات):

الف) به آن دسته از واقعیت‌های تاریخی که با نیازها و تجربه‌های کودکان منطبق است، بپردازد.

ب) از دادن اطلاعات جدولی بپرهیزد. مطالب درست، زنده و قابل قبول ارائه شود و به‌طریقی که انگیزه و نتایج حاصله از واقعه روشن باشد.

اگر کتاب درباره سخنان بزرگان اسلام است:

الف) گفتارهایی انتخاب شود که قابل درک برای گروه سنی موردنظر باشد.

ب) مطالب، برانگیزاننده، سازنده و شوق‌انگیز باشد.

درباره اطلاعات زیربنایی و بنیادی دینی:

الف) تکیه بر منابعی باشد که در هر مذهبی مورد وثوق است.

ب) از جبهه‌گیری شخصی و ارائه نظرات فردی در همه موارد خودداری شود.

درباره قصص قرآن:

الف) بازنویسی و ساده‌نویسی چنان باشد که به اصل قرآنی آن بسیار نزدیک باشد.

ب) از هرگونه اطالة کلام بپرهیزد تا پیام و هدف، تحت الشعاع قرار نگیرد.

حجازی در کتاب خود به کیفیت تصویرها در کتاب‌های دینی، توجه نشان داده‌است و عقیده دارد در تصویرها باید از جنبه‌های تخیلی بپرهیزد.

وی انواع کتاب‌های دینی را به داستان و غیرداستان، سرگذشت‌نامه‌ها، کلمات قصار، سرگرمی، شعر، نمایش‌نامه، کلیات و مرجع تقسیم‌بندی کرده‌است و درباره هریک توضیح می‌دهد.

حجازی کتاب‌های بازی و سرگرمی را کتاب‌هایی تعریف کرده‌است که ضمن ارائه راه‌های سازنده، اوقات فراغت کودکان و نوجوانان را پُر کنند. اما هنوز کتاب‌های مذهبی که به این صورت تهیه شده باشند، نداریم.

ذکر این نکته ضروری است که حجازی در تعریف کتاب‌های غیرداستانی دارای این نقطه‌نظر است که هدف از این‌گونه کتاب‌ها رساندن کودک و نوجوان به شناختی علمی از خود و جهان پیرامون است که این امر می‌تواند روابط علت و معلولی را برای او روشن کند و در تجزیه و تحلیل مسائل او را یاری می‌کند. از نگاه او کتاب‌های علمی از انواع کتاب‌های غیرداستانی است که می‌تواند ناظر به جانورشناسی، گیاهشناسی، شناخت پدیده‌های طبیعی و غیره باشد که در این زمینه پدیدآورندگان کتاب‌های دینی بر مبنای دیدگاه‌های قرآن یا با استناد به مقوله اسلام و علم توانسته‌اند کتاب‌هایی

را نظیر مجموعه‌های خدا و اختراعات از دیدگاه علم و قرآن (زیر نظر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی)، قرآن و طبیعت (بی‌آزار شیرازی) و ... تدوین و عرضه کنند. در برخی از کتاب‌ها، مشخصات کتاب‌های موردعلاقه کودکان نوشته شده و به‌صورت نظرسنجی از کودکان جدول‌بندی شده‌است.

کتاب ادبیات کودکان نوشته «علی اکبر شعاری نژاد»، کتاب موردعلاقه کودکان ایرانی را کتابی معرفی می‌کند که کودک را به واقع‌بینی و پذیرفتن محالات امور برانگیزد و عادت دهد به‌طوری که کودک معتقد شود که در آفرینش و عالم حکمتی وجود داشته و قانون‌های مهمی بر آن دو حاکم‌اند که شناخت و کاربرد آن‌ها شرط لازم موفقیت است.

مشخصاتی که شعاری نژاد برای کتاب موردعلاقه کودکان برشمرده‌است، در کتاب‌های دیگر به‌عنوان ملاک‌های کتاب خوب نام برده شده‌اند.

از دیگر کتاب‌هایی که در این زمینه صحبت کرده‌اند، کتاب سخنی درباره ادبیات کودکان و نوجوانان نوشته «محمود حکیمی» است. وی معتقد است کمبود کتاب‌های مذهبی به‌خوبی مشهود است و نویسندگان اسلامی باید در این زمینه، آثاری به‌وجود آورند. این نویسنده همچنین عقیده دارد که نویسندگان باید نیاز زمان را درک کنند و در زمینه‌های زیر به نشر کتاب بپردازند: ادیان الهی، داستان‌های قرآن، داستان زندگی پیامبر اسلام، داستان زندگی صحابه، داستان‌هایی از زندگی جانبازان شیعه و زندگی دانشمندان شیعه.

حکیمی می‌نویسد: «ویژگی‌های داستان‌های قرآن در این نیست که به توصیف وقایع جزئی و شرح و بسط آن‌ها می‌پردازد بلکه با آیات محکم به مهم‌ترین وقایع و تحلیل آن‌ها می‌پردازد و اگر در بعضی از داستان‌ها جزئیاتی را تشریح می‌کند، برای به‌دست‌دادن قانونی کلی است برای همه زمان‌ها.» لازم به توضیح است که بسیاری از کتاب‌های تئوری، به نقد و بررسی کتاب‌های مذهبی یا داستان‌های قرآن پرداخته‌اند. از جمله کتاب بیست سال تلاش (کندوکاو در اهداف و فعالیت‌های شورای کتاب کودک از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۶۱) نوشته «محمد دیدار» که بخش‌هایی را به این موضوعات اختصاص داده‌است: نادر ابراهیمی و مذهب، نادر ابراهیمی و اسلام، نادر ابراهیمی و خدا، رفتار با قرآن، مسئله روح، رستاخیز، انتظار، دعا و نفی حدیث، طرح شخصیت‌های منفی و مذهبی.

رضا رهگذر نیز در کتاب نقد آثار «صمد بهرنگی» با عنوان صمد بهرنگی آن‌گونه که بود سیر جهان‌بینی و تفکر بهرنگی را تحت‌عنوان بهرنگی و مذهب و برخورد وی را با مذهب در آثارش موردبررسی قرار داده‌است. همین نویسنده در کتاب زندگی و آثار مهدی آذریزدی رویکرد مثبت خود را نسبت به آثار

مذهبی آذربیدی بیان کرده و گاه از زبان خود وی علت نوشتن آن آثار را نقل کرده‌است.

به‌طور کلی در کتاب‌های تئوری ادبیات کودکان و نوجوانان آنچه که بیش از همه درباره ادبیات مذهبی کودکان به‌چشم می‌خورد، تعریف این نوع ادبیات و ملاک‌های ارزشیابی کتاب‌های مذهبی است اما بیشتر این تعاریف سطحی بوده و ادبیات مذهبی کودکان را ریشه‌ای بررسی نکرده‌اند و نیز درباره تعداد مطالعه‌کنندگان این نوشته‌ها و نظرات آن‌ها نیز آمار دقیقی وجود ندارد.

در بیشتر این کتاب‌ها گفته شده‌است که داستان‌های مذهبی میان توده مردم و کودکان مؤثر بوده‌اند اما کمتر نویسنده‌ای علل و چگونگی این تأثیر را بررسی کرده‌است.

امید است در آینده کتابی به‌طور مشخص ادبیات مذهبی، تأثیر آن و سیر انتشار کتاب‌های مذهبی در ایران را موردبررسی قرار دهد، مشابه آنچه «دیز اسکارپت» در کتاب *ادبیات کودکان در اروپا* درباره روند انتشار کتاب در اروپا بحث آورده‌است.

منابع

- آرمیون، (۱۳۵۳)، *ادبیات کودکان*، مشهد، مرکز تربیت مربی کودکان خراسان.
- آقایاری، خسرو. (۱۳۷۵)، *آشنایی با ادبیات کودکان و نوجوانان و معیارهای نقد و بررسی کتاب*، چ ۳، سرآمد کاوش.
- ایمن، لیلی و دیگران. (۱۳۵۲)، *گذری در ادبیات کودکان*، تهران، شورای کتاب کودک.
- پلووسکی، آن. (۱۳۶۸)، *ارزیابی کتاب‌های کودکان در کشورهای رو به رشد*، مترجم: دکتر امیر فرهمندپور، تهران، انتشارات سروش.
- پلووسکی، آن. (۱۳۶۹)، *دنیای قصه‌گویی*، مترجم: محمدابراهیم اقلیدی، تهران، انتشارات سروش.
- جعفرنژاد، آتش. (۱۳۶۳)، *۳۹ مقاله در ادبیات کودکان*، تهران، شورای کتاب کودک.
- حجازی، بنفشه. (۱۳۶۸)، *ادبیات کودکان و نوجوانان: ویژگی‌ها و خبرها*، تهران، روشنگران.
- حکیمی، محمد. (۲۵۳۶)، «سخنی درباره ادبیات کودکان و نوجوانان»، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،
- دیدار، محمد. (۱۳۶۷)، *بیست سال تلاش (کندوکاوی در اهداف و فعالیت‌های شورای کتاب کودک از سال ۴۱ تا ۶۱)*، تهران، حوزه هنری.

- رازانی، بهمن. (۲۵۳۵)، «پژوهشی در زمینه ادبیات کودکان»،
 رحماندوست، مصطفی. (۱۳۷۲)، *ادبیات کودکان و نوجوانان*، تهران، دانش‌سرای
 تربیت معلم.
- رهگذر، رضا. (۱۳۷۱)، *به‌بیانی دیگر ...*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- رهگذر، رضا. (۱۳۷۲)، *نقد آثار صمد بهرنگی*، تهران، انتشارات برگ.
- رهگذر، رضا. (۱۳۷۵)، *زندگی و آثار مهدی آذرین‌دی*، تهران، حوزه هنری.
- رهگذر، رضا. (۱۳۶۸)، *و اما بعد ...*، تهران، حوزه هنری.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۶۴)، *ادبیات کودکان*، تهران، اطلاعات، چ ۱۴.
- علی‌پور، منوچهر. (۱۳۷۸)، *آشنایی با ادبیات کودکان و نوجوانان*، تهران،
 انتشارات فردوس.
- عماد خراسانی، نسرين‌دخت. (۱۳۵۵)، *ادبیات کودکان و نوجوانان در عصر
 پهلوی*، مرکز تحقیقات.
- غفاری، سعید. (۱۳۷۹)، *گامی در ادبیات کودکان و نوجوانان*، انتشارات دبیزش.
- فلاحی رستگار، گیتی. (۱۳۴۰)، *نقد کتاب‌های ابتدایی و ادبیات کودکان*،
 مشهد.
- مصاحب، محمد. (۱۳۴۲)، «کتاب در ایران»، *مجله راهنمای کتاب*.
- ۱۷ مقاله درباره ادبیات کودکان و نوجوانان، شورای کتاب کودک، ۱۳۷۲.